پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ
سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸

تأثیر متغیر شخصیت در فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران در واپسین دههی حکومت پهلوی دهم

نیفه واعظ

چکیده
شخصیت محمدشاه قاجار، سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داد. این پیش فرض برای بایدی "شوری جامع روزان" و مبتنی است بر تأثیر متغیر شخصیت در تصمیم‌گیری در کشورهای توسعه نیابهته. در این مقاله، تأثیر متغیر شخصیت همراه با عوامل اجتماعی داخلی بر سرعت بخشیدن به فروپاشی رژیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: محمدشاه، تصمیم‌گیری، سیاست خارجی، ایران، شخصیت.

---

۱- استادیار گروه علم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی شهرهرا
تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۴/۲۱
تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۰۷/۲۸
مقدمه

یازدهمین همایش اجتماعی ایرانی تاریخی

پژوهش‌های اجتماعی در ایران

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، از موضوعاتی است که در ایران مورد کمیابی پژوهش‌گران واقع شده است. هدف اساسی این تحقیق بررسی این پرسش اصلی است که خلق و خو، نوع برداشت‌های محقق‌ها چه تأثیری بر فردیت تصمیم‌گیری درسیاست خارجی ایران با لبخند در دهه‌های آخر داشته است؟ افزون بر آن پرسش‌های فرعی دیگری نیز به قرار زیر طرح شده است:

1. در انطباق با نظریه‌های روزنامه‌هایی برخی فکری محقق‌ها چه بوده است؟

2. بر پایه نظریه‌های رایموند کانتزل، صفات عمیقی و براساس نظریه‌های گوردن اپورت، صفت اعظم محقق‌های چه بوده و هر چه از آن صفات چه بازخوردی بر تصمیم‌گیری‌ها در حوزه‌ی سیاست خارجی بر چی می‌گذشت؟

3. چه رابطه‌ای بین سیاست‌های خارجی محقق‌ها و سقوط رژیم پهلوی وجود دارد؟

شالوده فرضیه‌ی حاضر به شرح زیر پی‌ریزی شده است:

در پیش تصمیم‌گیری در سیاست‌های ایران، در دوره‌ی پهلوی دور، ویژگی‌های شخصیتی و طرز تلقی محقق‌ها و آرایه‌ی وی بر سایر متغیرهای اثرگذار مانند متغیر ملی، نهادهای اداری و نظام بین‌الملل اولویت می‌یابد. همچنین به نظر می‌رسد، طرح ویژگی‌ها یک تأثیر بسزایی بر سیاست‌های خارجی ایران می‌دانند. پژوهشگران از این امر خارجی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. صفات پیامدی محقق‌ها، حمایت‌جویی بود و ترکیبی‌ای از دو خصوصیت ترس و علائم‌گزاری، صفت اعظمی منتظری را در اندازه‌ی در شکل بخشیدند.

رابطه‌ی مداومی بین سیاست‌های خارجی محقق‌ها که مربوط به اصولی دست‌نامه‌های و همراه با امیرالاپسید بود، با وقوع انقلاب، وجود دارد.
شالوده، نظری پژوهش

یکی از بنیادهای نظری این گفتار بر تئوری پیوند روزنه گذاشتند. روزنه، بر آن است که رهبران سیاسی در جهان سوم، نقش اساسی در سیاست‌گذاری‌ها دارند و بر شاخه‌های فردی رهبری به‌خصوص بر طرح ویژه‌ای فکری هر فردی تأکید دارد و آن را زمینه‌ساز رفتار کشورها در نظام بین‌المللی می‌دانند. منابع‌های ارگانیبر سیاست‌های خارجی از دیدگاه یک پژوهش قطبی تضمین می‌شود.

1. متغیر فرد (شخصیت تصمیم‌گیرنده): این متغیر به برداشت‌ها، تصویرت و ویژگی‌های انتخابی تصمیم‌گیرنده که سیاست خارجی را تعیین و تحقق می‌بخشد، مرتبه‌بندی می‌شود.

2. متغیر نقش: این متغیر معمولاً به عنوان شرکت مشاغل یا قواعد رفتاری مورد انتظار از شغلها و مقامات تعیین می‌شود. هر فرد یا مؤسسه تصویر خود را از نقش، از شرح وظایف آن نقش در قانون اساسی، اساس‌نامه‌های قانونی و لایحه کسب کند که این متنبعبه حیطه‌هایی مسئولیتیست. این را با نتیجه‌گیری در این حال بیشتر ممکن است زیر فشار انتظاری گذاشته در آن نقش دارد.

3. متغیر نظام اداری (بوروکراتیک): این متغیر به اثر ساختار و فرآیند یک حکومت بر تصمیم‌گیری در سیاست‌های خارجی اشاره دارد. بوروکراتیک روند پیچیده‌ای را در هر گونه طی می‌کند، وزارت‌خانه‌ها، نهادها و سازمان‌های مختلف، منافع خود را در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاست خارجی از راه بازی‌ها و رقبابت‌های بوروکراتیک دخالت می‌دهند.

4. متغیر محفظه ملی: عناصر سازندگی قدرت ملی در گروه‌های مختلف یکسان نیست و دولتهای واقعگر اتاق‌گرند. به گاه تصمیمات کیبری، ملاحظات ناشی از رقابتی خود را در نظام بین‌المللی و متغیرهای زیستمحیطی مثل زمین‌پوستی و زوال‌پذیری‌ها، وسعت، جمعیتی، تکنولوژی، توامین‌های نظامی و حتی روحیه ملی لحاظ می‌نمایند.

5. متغیر نظام بین‌المللی: منظور از این متغیر تأثیر عواملی بر تصمیم‌گیری است که نسبت به کشور مورد مطالعه، بیشتر محسوب می‌شود. برای مثال، در دوره‌های مورد مطالعه این گفتار و در

فضایی ساختار آنتی‌کلیئی نظام بین‌الملل ایران، تحت تأثیر شدید آرمان‌ها و صفات فردی شاه، روزگارد غرب را در پیش گرفت. ایران عمر پهلوا، موافق وضع موجود در نظام بین‌الملل بود و در تجربیات این هم راتایی، یکبار در سال ۶۵ توامس به عضویت پیامد توریای شورای امنیت درآمد. وضعیت که تاکنون و پس از پنتوای ۱۵۸ رای، ۲۲ رای ایران در ۲۴ مهر ۱۳۸۷ برای ایران تکرارنامه‌ای شده است. در این پرونده، بروی آنتی‌کلیئی ایران، انتقال اسلامی در شرایط فراهم کرد. برای راهیابی به تأثیر صفات فردی بروی فرآیند تصمیم‌گیری از توریای های دو نظریه پرداز در رشته‌ی روشناسی شیعیت، استفاده گردیده است.

گوردون آلپرت ۲ یوان است که صفات به دسته تقسیم می‌شوند:

۱. صفات اعظم: منظور آن دسته از صفات است که استمرار و فراگیری داشته باشد.

۲. صفات مکری: صفاتی که در مقایسه با صفات مکری از شدت و استمرار کمتری برخوردار است.

۳. صفات نظیری: به صفات نامناسب، ناشکار و عمومی نایاب‌تر فرد، گفته می‌شود.

برایی چندتامن کاتال، صفت و ساختار روایی فرد را تشکیل می‌دهد که از مشاهده‌ی رفتار خاص انسان به آن می‌توان، راه یافته، تا زمانی از دید او به انسانی، صفات عمیق و پایدار دارد که از روی صفات صوری و از طریق تحلیل عوامل می‌توان به آن پی برد و در واقع این صفات زیبای شخصیتی فرد را می‌سازد.

در سطور ایند، مؤلف‌های شخصیتی مجدد‌ناشاهدا و اثر آن بر سیاست‌گذاری در امور خارجی با توجه به سه نظریه فوق بررسی خواهد شد.

---

۱ - محمود کنابی، "نظریه نظام جهانی جان فوران و انتقال اسلامی ایران"، مجله جامعه نگری ایران، سال ۱۳۸۲، دوره پنجم، شماره ۵.

۲ - سید شاه‌دای (۱۲۹۱) مکتب‌ها و نظریه‌ها در روشناسی شخصیت، ج.۳، تهران: راه، ص ۱۷۲.
گفتمان‌های سیاست خارجی ایران در دورهٔ پهلوی دور

اهداف سیاست خارجی براساس ماهیت بی شرکت هسته این دسته از اهداف گفته می‌شود که با تغییر وضع موجود به آن دست‌ها خواهد یافت و در واقع بانگر آرزوی و خواسته‌ها است.

1. اهدای خودگرایش؛ به آن دسته از اهداف گفته می‌شود که یک کشور برای بقا و حفاظت از خود دنبال می‌کند و در واقع به سرجام و موجودیت خود قانع شده و خواستار حفظ وضع موجود می‌باشد.

2. اهداف خودخاطری؛ که در بر گیرندهٔ اهدافی است که فرامنعت ملی به شمار می‌رود، این کشورها برای اهدافی مانند اتحاد، صلح بین‌المللی، عوامل داخلی در نظام بین‌المللی تلاش می‌کنند. با توجه به این دست‌بندی به نظر می‌آید که ایران در دهه‌های نخست دورهٔ پهلوی به لحاظ اهدافی خودخاطری است و به وضع موجود و عدم تقسیم ایران به دو بخش ایران شمالی و ایران جنوبی، رضایت داده است. در سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۲، خودگرایشی است و با به برداشت وابستگی ای که از خود ایرانیان پیداکرده بود، خواهان رهایی از سلطه انگلیسی‌ها می‌شود و تقریباً تا یک دهه پس از کودتا خود حفاظتی است، اما در سال‌های پایانی خود گسترشی است و در صدد کسب قدرت بهشته و تبدیل شدن به قدرتی هژمونی در خاورمیانه می‌باشد. اما، گفتمان‌های سیاست خارجی ایران در دورهٔ پهلوی دور، صرف‌نظر از سیاست گفتاری و کرداری را می‌توان درمورد زیر، تقسیم‌بندی کرد:

1. استقلال چوبی، رشد و رفاه اقتصادی
2. ناسیونالیسم مثبت
3. کمونیسم سیزی
4. غرب گرایی

این قاعده که "منفی استقلال در حافظهٔ جمعیت ملت ایران است."در دورهٔ پهلوی استثنایی نیافته و کوشش‌های دولت برای رشد و پیشرفت اقتصادی ایران را می‌توان تکلیفی در تحقیق همین اصل تعبیر نمود. مساعی دولت‌های ایران در جریان انقلاب سه‌جانبه بین ایران، انگلیس و روسیه در بهمن ۱۳۲۰ و تأکید بر اصل حفظ استقلال، ماده واحدی عدم واگذاری نفت به هر دو تاریخی در آذر ۱۳۲۳ میلی کرون صمت نفت کشور در دل‌های
۱۳۷۷-۱۳۷۹ و ... همگی مصادیقی از اراده دولت مردان در عملی نمودن این اشتباق ملی به شمار می‌روند. گذشته از آن در سیاست‌گذاری محمدرضاشاه، نیز باز بر اصل حفظ استقلال‌های ایران، تأکید می‌شد. چنانچه، وقتی مهدی‌زاده شریفی که نیکسون تصمیم گرفته، در معاونت‌های این‌دست، کشورهای غربی با مسکو، منافع ایران را لحاظ نکنند، گفته بود: "اگر هرگز این مسئله داد معمولی کنیم آنها صورت بگیرد... ایران، یک مهره بی‌اختیار نیست که انگلیس و آمریکا خبر وقت دلیان خواست آن را به این سو و آن سو ببرند." بار دیگری شاه به نخستوزیر یوگسلاوی انتقاد خود را چنین بازگو نمود: "قدرت‌های بزرگ معقدانده هرچه خودشان دارند، حق آنها است، اما هرچه ما کشورهای کوچکی داریم کابئ معاونت است." ۱

شام در مصاحبه‌های خود بارها بر این موضوع که اراده او معطوف به "گاهش نفوذ خارجی" قرار داشته ایران و زندگی است.

۲. ناسیونالیسم مثبت

در دوران سی و هفته سلطنت در عرصه‌ی سیاست خارجی، سه طرح به شرح زیر عملی شد که هدف نهایی همه ایها حفظ استقلال بود وی سیاست‌های در اثبات اسلام، این دولت به خاطر دستنشاندگی به یک قدرت بزرگ محروم به سقوط شد. عناصر پایداری سیاست موازاتی منفی که در دوران ملی کردن صنعت نفت به اجرا گذاشته شد عبارت بود از: ۱. توافق سیاسی ۲. استقلال از قدرت‌های خارجی. ۳. منع واگذاری امتیاز به بیگانگان. 

اگر سیاست به معنای اترباتی نبود، بلکه بر عناصر کلیدی، زیرینا نهاده شده بود: "ملت می- خواهد که خارجی از این مملکت برود... و لفظاً و معنایستقلال اورا محترم بسیارت. متعهدان به این سیاست بر آن بودند که هر مقطوعی بدون برای حفظ ظاهر هم که باشد طالب دست مصونی است.

---

1. استادیت علم. (۱۳۷۱) درک وکوی در کنار (غیرمحتاله). تهران: نشر انتشارات مهردی، ص ۱۲۵.
است و ان مقطع‌الیدی که به‌خواهد مقطع‌الیدین شود، خوب است خود را از مزلت زندگی خلاص بکند.«

با انجام کودتای ۲۸ مارس، دولت با اشکالی محمدرضا سیاست ناسیونالیسم مثبت را در پیش گرفت. محمدرضاشاه برای سیاست ناسیونالیسم مثبت که احتمالاً با توجه به خصوصیت مرکزی خودشیفتگی تمایل داشته که ازآن با نام "دکترین محمدرضا" یاد شود، ابعاد و وجوه زیر را قابل بود:

"به فکر از ناسیونالیزم مثبت عبارت از زاویهای است که حداکثر استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را به طوری که با منافع ان کشور مواقف باشد، تأمین نماید" و "بلافاصله خود را به عنوان روح جمعی ملت ایران فرض کرده و اظهار می‌دارد" برای ما ایرانیان ناسیونالیسم مثبت، مفهوم گوشه‌گیری و جداگانه ندارد... ما دوستی مهرکوری را می‌پذیرم به شرط آنکه چنین دوستی به استقلال ما لطمه وارد نسازد." ۱و در هر حال، عناصر چهارگانهی سازندگی سیاست ناسیونالیسم مثبت، به گفتهٔ محمدرضا

عبارت بود از:

۱. پشتیبانی صمیمانهی از سازمان ملل و همراهی برای تخفیف شنگنت دیپلماتیک.
۲. تلاش برای این که دسته‌جمعی منطقه‌ای در خارجیانهای ملت ایران تأمین نماید.
۳. شرکت در برنامه‌های امنیت دسته‌جمعی با تشریک محسوس و دریافت کمک فنی و اقتصادی.
۴. استحکام سازمان دفاعی حفظ حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ایران و امنیت داخلی.

سه اصل از این اصول به مقولی امنیت و تمسک به روش‌های سخت‌افزاری برای تأمین امنیت باز می‌گردد که با واثقه‌ای از احساس شدید تامین، در شاه‌بوده است.

اما سیاست ناسیونالیسم محمدرضا نیز چندان ناپیوست و در سویی گفتگو در سیاست خارجی دولت ایران از دهه ۱۳۴۰ به بعد به خواست و اشکالی شاه، سیاست مستقل ملی در پیش گرفته شد. به نظر می‌آید مغزی‌ها مختلف درونی و برپنی در اتخاذ آن خط مشی اثر گذاشته‌بودند.

همانند:

۱- محمدرضا پهلوی (۱۲۳۷-۱۳۲۳ ماهمریت حریر و خوشنویسی، تهران، پویا، ص:۱۶۱)
۱. دوران تنش‌زاپی در روابط دو ابر قدرت.
۲. گاهی توجه آمریکا از خلیج فارس به دلیل پیامدهای جنگ ونام.
۳. افزایش تدریجی قیمت نفت.

محمدپناهی با سرمایه‌ی ناشی از درک چنین فرصتی، سمت و سوی اصلی جهت‌گیری اخیر خود را دست‌کم در سراسر کناره‌ای این‌گونه بیان می‌کند:

"خطوای اصلی این سیاست بر پایه‌ای اصول مشخص صحیح‌جوی صمیمانه، همزمانی و تفاهم با کلیه‌ی کشورها و جامعه‌ی سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های متغیف، طرفداری از هرگونه کوشش برای استقرار و پیوست عدالت اجتماعی. چه در ملت ملی و چه در سطح بین‌المللی، پشتیبانی از هر کلیت جهانی برای تمدید قابل‌شدن بین جوامع فقیر و غنی، همکاری بین‌المللی در مبارزه با بی‌سودی و ورشکستگی و بیماری و سایر بلاهای اجتماعی عصر حاضر طریقی است."

دلیل‌سازی ایران که جامعه سیاست طرالی شدید محرم‌زاده در امور خارجی بود از "۱۹۴۳ به بعد به‌گونه‌ای سیاستی که در علل بنیان‌گذار، و از آن‌ها دو جامعه با روابط وضعیت با اسرائیل و عامل بین‌المللی اشکال در هم‌داستانی با آمریکا، پی‌گرفت و تا سرانجام بخش‌هایی درجه‌نشین‌ها از جان ظلم‌شکنی با وقوع انقلاب فقری یافتند.

۲. سیاست کمونیسم‌بستگی

پشتیبانی آثارلی شوروی از مقاومت خودخواری ارتش ایران و کردستان، پس از جنگ جهانی دوم، ناهنجاری‌های در سیاست‌های ایران با یک چشمه دو ابر قدرت در نظر گرفت و این چشم‌انداز از جنگ بخشید که خطر شوروی در مرز از هم‌داستانی ایران و ایران‌خواست برازند. و این‌ها اظهار می‌دهند که "برای کشورهای توسیع‌نیافته مسئله درک خطر بزرگ است که همان خطر جدید امریکایی‌های کمونیستی می‌باشد.

---
۱. محمدپناهی (۱۳۵۱) اقلیت‌سیاسی، تهران: جامعه‌شناسی پژوهی، ص ۱۰۹
۲. احمد میر قدری‌سکی (۱۳۶۳) دیدگاه‌سیاسی و سیاست‌های خارجی ایران از ۲۲ بهمن تا ۱۳۵۱، تهران: مهور، ص ۱۳۶۲، ص ۱۷۸
محمدضاآ بارها شوروی ترسی و دلهره خود از توسعه طلایی روسی‌ها را این گونه بروز می‌داند:

"این جای ایرانستان نخواهد شد".

اما در تمام سال‌های حکومت خوشش، درصد راهایی برای برون‌رفت از وضعیتی که خود آن را "پیچیده و بی‌خنگ" می‌خواند، بود و سرانجام راه را در همپیمانی با غرب جستجو کرد. و شوروی نیز ضمن آنکه عضویت ایران در پیمان‌های ضد شوروی مانند بنداد را بر نمی‌تافت و در عین حال مراقب بود که به کلی پویاندازی دو کشور قطع نشود و دو کشور به این امر بسیار دیپلماتیک عمل می‌کردند که رابطه اصطکاک‌آمیز بهتر از قطع رابطه است و شخص محمدضاها نیز در سال‌های تثبت قدرت، درصد ترمیم رابطه برآمد و گاه از کارت گردش به سوی شوروی با به‌فرش انتی‌های بی‌شتر از آمریکا بهره می‌برد.

پیدا شدن محمدضاآ، همیا با مخالفت با کمونیسم، به سازماندهی مناسبات ایران با دو بانو اتحاد جماهیر شوروی برآمد و پیرو اصول اساسی در ۱۹۴۲-۱۳۴۱ به رهبر شوروی اطمینان داد که به هیچ قدرت خارجی، اجازه تأسیس پایگاه نظامی ضد شوروی را در ایران نخواهد داد و آن پس، بی‌شتر بر هزینه اقتصادی پیمان سنتو تصريح می‌نمود.

شوری، اشاره‌های شاه را تعمیر به حسین نمود و از علاقه‌مندی شاه به گسترش مناسبات منطقه‌ای به سود استیاق خود برای "دستیابی به منابع طبیعی و به خصوص گاز ایران" پرهمبادی کرد و از بی‌مهری‌های متداول آن اندازه‌ای کاسته شد.

یکی از مبانی سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی را اتحاد با کشورهای غربی تشکیل می‌داد. در همان گام نخست در جریان اشغال ایران، محمدضاآ همکاری با متفرقین را لازم تشخیص داد و سال‌ها بعد نیز، محمدضاآ بازگشت خود را به قدرت، پس از کودتای ۲۸ مهر، مزاحم امریکا می‌دانست.

---


2- *ibid*, p۴۴۲.
هر قدر صفت بیگانه‌گری محض درشت‌گراییه و صورتی رئیس‌گرایی را در واحدهای ایرانی می‌نمود، خصلت قدرت-سای محض درشت‌گراییه را، با نکته‌ای از امکان بسیاری که در ایران از انقلاب آزادی به دست آمده‌است، با کمک به ترسهای برکشته‌ای پدرش از قدرت سهمیه می‌دانسته‌اند، نمای خواسته بار نفرت عمیقی که رابطه با انگلیسی به هر یک از میل شدن نفت در ایران، برای دسته‌های این جامعه که به دویش می‌کشند، این پاپولاریزه‌ای تا پس از انقلاب اسلامی که تصویر می‌کند انگلیسی‌ها انتقام ۴۵ ساله‌ای پس از کودتا را از آن و متحد فرقه‌نژاد، امریکا با پشتیبانی از مقاعد انقلابیون ایران گرفتند، نیز از این ره را نکرد. با این حال، قریه انگلیسی‌نشین، مطوب، اما برای سیاست خارجی در آن زمان مقدور بود. به نظر می‌رسد در روزگار کودکی درباره‌ی محض درشت‌گراییه اعمالی شده، بیشتر به توجه می‌گردد وقتی برای تحقیق به سویس رود، غرب را از آن که خود بی‌پناه و تجمعی در دوران پادشاهی نیز با روابط گسترشده در دنیای جلب پشتیبانی غرب از مقاعد خود برابر و در آن میان برای امکان، مضرب و پشتیبانی از امریکا، از مهمترین هوازی و جهادگر برانگیزی‌های. در سیاست گفتاری محض درشت‌گراییه، اصل بر "تعامل میان دنباله غرب"، اتحاد جامعه شوروی، کشورهای اروپای شرقی و جمهوری خلق چین" تلاش برای همبستگی جهانی "قرار داشت. اما در سیاست کارداری، همه‌ی راه‌ها به غرب از نوع امکان‌پذیر ختم می‌شود.

از سمت دیگر مطرح گرایی محض درشت‌گراییه به غرب را یک میان در بی‌پناهی نظام شاهنشاهی از مردم دانست که چون این نظام موجات نارضایتی مردم را در حالی که در نهایت به انقلاب اسلامی منجر گردید، ناگزیر شد برای بقا خود از محتوی بی‌پناه و بالا یکی از امکان‌های پیام خود جوید.

سایر علل روبودن به غرب عبارت بود از: افزایش کم‌که های امریکا به ایران و ایفای نقش حامی برای ایران، که در این از انتظار داشته که، فرمول‌ها و تکنیک شود و سرانجام نیز موافق شد شخصاً نوعی سیاست خارجی تدوین کنند که هم با خط مشی داخلی و هم‌هاینگ باشند و هم بیش از هر چیز با سیاست وابستگی به ایالات متحده انطباق داشته باشد. ۳

۱. ه. خ. (۱۳۷۱)، "دکتر پاسخگویی به تاریخ"، ترجمه شهبانو ماهک. تهران: سازمان ملی. ص ۱۷۵.
ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی در دورهٔ پهلوی دوم

در این دوره در ساختار حقوقی قدرت، نهاد سلطنتی، مجلس شورا و هیأت وزرا از نهادهای اصلی در تصمیم‌گیری برای سیاست خارجی ایران بودند. محمدرضا در جایگاه پادشاه ایران، علی-ترین مقام قوی مرحی به حساب می‌آمد که بر طبق اصل ۷۷ قانون اساسی مشروطه‌سازی‌های "پادشاه مستقل‌الاختیار قانون را داشت و در صورت نزدیکی می‌توانست لایحه‌ای را به مجلس تقدیم نماید" آن‌چه‌که دربارهٔ ابعاد قانونی قدرت محمودزاده به‌خصوص در خوزستان مربوط به سیاست خارجی می‌توان گفت، آن‌که وی از حق اتخاذ مجلسی برخوردار بود و علاوه بر برخورداری از حق تعيین روسای عالی‌رتبه‌های نهادهای مهم، فرمودن‌های هر چه‌زی بود و بنابراین حق اعلام جنگ و صلح از دیگر وجوه قدرت فوق‌العاده‌ی وی به شمار می‌رفت. به این ترتیب ساختار قدرتی شاه در ایران در ذات استبدادزا بود. چه رسد به آن‌که محمدرضا نیز به لحاظ خصوصی‌های فردی می‌تواند خودکاری داشته باشد، اما در بعید فرآیندی و پنهان‌یا همان ساختار واقعی قدرت، در عمل یک‌گاه مرکز تصمیم‌گیری در امور داخلی و خارجی به ویژه در دهه‌های دیگر شخص محمدرضاشاه بود.

بر شالودی همان قدرت پنهان، قواي سگانه‌ی كشور، كاملاً مطبوع فرايام نهایى وامير، ملوکانه بودند و شاه در سال‌های پیانی توانست خود را از سویه سگان نخبگان نمک‌پذیری چون قوا، رزم آرا، مصدق و امینی بهره‌دار و به چهره‌ی محوری، منبع و مرجع تصمیم‌گیری رژیم

تبدیل شود.

1- دیودوت اول (۱۳۸۷)، بیماری هنر و دولت‌های امپراتوری، ترجمه‌ی عیدالرضای همراهی، فصلنامه‌های اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۱۴۱۴، ص ۱۰۸.
پژوهشی از اغیان ایرانی تاریخ/1273

محمدضا، از شگردهای زیر برای تغییر چهره دادن به قدرت اول تصمیم گیری در مدلکپت بهره
برده است.

از عصر نظری سلطنت که بپردازی آن شاه دارای فر و شکوه ایزدی بوده همهچنین بارها مدعی شد که امنی مصممین را در خواب دیده و خود و قلمرو تحت امرش، حفاظت شده آن

محمدضا از راهیه زیر به تسمه قدرت فرقاونی خود میراهست موضع نمودن سفرای ایران به ارزال گزارش‌های روزانه "با تلکس رمیدار" به وزارت خارجه، گماردن اشخاصی به
ضد شدید که یکی گزاره در مصدر اموری که به نحوی به سبک اعرابی یافت و را به که به
تا امری اتفاق افتاده علیه شاه شود برای نمونه گماردن ارائه‌های زاده‌ی در سه وزیر خارجه و
انصاریه‌نود به Nested نخستوزیر که با یک‌گزاری خصوصی دیرتره داشتند، به ظریف که کار
ذکری که آن در دو ۱۳۵۱ به جایی رسید که هوا بناه، هوایی که از اهلايزی را به زاده‌ی به او نوشت،
&quot;دستی" به اکثره زاده و گفت، گفت "ب" اتم در مقام تخت وزیری باقی می‌مانم یا ارائه‌های زاده‌ی
در وزارت خارجه، "شگرده درک وی متعدد و متنوع نمودن منابع خبری بود واکن امردر حفظ
برتری اطلاعاتی شاه بر وزرا مؤثر واقع شد.

آفروز بر آن مامور بی‌توجهی اطلاعاتی در سفارت خانه‌های مهم می‌گمارد که موظف به ارزال
گزارش بودند و رقابت‌های آن مامور با اعضای سفارت‌خانه در عمل هیچ خبری را از خوشا شاه
پنهان نمی‌پناهند و برابرین قدیمی شخصی شده و انتزاع چرمان‌ای او می‌افزود. احمد
مصرف‌رسکی تعبیر رسا و بس زیبایی از خودعموری شاه در سیاست خارجی که سبب واستگی
شدن کارگرد سیستم بود، اتفاق را به کار می‌برد:

"اعضات محضری شاهزاده‌ی امضاء رهبر ارکستر است که تا زمانی که او چونی را بلند نکردیم هیچ
سازی نیاید به صدا درآید."

1- اوربانی رالی، (بی‌نام)، مصاحبه با تاریخ سازن، بی‌نام، ص. ۶۴
2- اردن زاده‌ی (۱۳۵۱)، زاده‌ی دانشگاه اخوانگرد رازی در دانشگاه اخوانگرد رازی، برای، ص. ۱۷۵
3- دیپلماسی ایران از سوم تاریخ ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ ص ۴۴
وزارت امور خارجه همانند ارتش به صورت ابزاری در اجرای تصمیمات شاه درآمد به دو و با هدف تجمع بخش قدرت به سفیران ایران در کشورهای بیگانه فرمان داده بود که "از مراجعه مستقیم به نخست وزیری اجتناب وزن. شاه به دکتر جلال عワイده وزیر خارجه وقت (۱۳۸۸) گفته بود: "وزیر امور خارجه واقع خود من هستم و شما فقط مجاز اولم خواهید بود." ۱۱ ورود غیر قانونی شاه به حرم قدرت تصمیم سازان و تصمیم گیران سیاست خارجه را می‌توان از توان کاربرد "پا به فرمان هماهنگ" و "پا به امر ملکانه" که به خصوص در استاد و کنار منصبی سیاست خارجی خصوصاً در دهه آخر به کار می‌برند را فهمیده به طوری که شاه سرانجام به "داور مطلق در امور دیپلماسی" تبدیل شد.

البته در مورد نادری، وزیر خارجه، چون اردشیر زاهدی، شاه را ناگزیر به اذعان به شأن تصمیم گیری وزارت خارجه می‌نمود. برای نمونه، زاهدی در اقدامی به سایه از شاه تقاضا کرده به عده‌ای از همکاران وزارت خارجه که وظیفه ارتباطی با ایران داشته‌اند، فرصتی داده شود تا نظراتشان را حضور آینده کند.

اما نظام شاهنشاهی، حاضر به سهیم کردن نخیالان را در پوشی تصمیم‌گیری‌های نیز به دلیل مقاومت در برابر نحوه بزرگ‌ترند در قدرت و به خاطر فقیدان نهادی سیاسی، زمینه‌هایی که و

۱- دیپلماسی و سیاست خارجی ایران از سوی شهربورک ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، صص ۶۲-۵۳.
۲- در حاشیه سیاست خارجی، صص ۷۷-۷۸.
۳- همان، صص ۹۹-۱۰۰.
۴- فریدون زندگردی، (۱۳۷۸)، ایران و نظام پژوهشگری، تاریخ‌نگاری از دوران وزارت امور خارجه ۱۳۲۴-۱۳۵۲، تهران، شیرازه، صص ۳۲-۳۳.
مولفه‌های شخصیتی و تصویر‌های محمدرضا

صفات کلیدی که شاگردان شخصیت محمدرضا را به ایفا کردن را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- مضطر، ترسو و حمایت‌جو
- رشد و تقوی در دامنه مادری خودش، و پیاده‌کردن و دهن دهن کجی به استقلال رای و آزادی
- عمل محمدرضا، دو خصوصیت ترس و آزارگری به زیر شناسان را در وجود و نهادنی نمود. در هفت سالگی به ویه‌دی برگزیده شد به فرمان پدر تاجدار، از مادر و خواهر دو قلویش جدا. تا در کاخی جدایانه تعلیم و تربیت شانه‌ها بپذیرد، همین امر در تمرین عاطفی شدیدی را به او وارد کرد که با امر ملکانی خود مبنا بر ادامه تحصیل در سوئیس تمرکز یافته. در سوئیس علاقه‌ای پایدار به غرب در وجود هنرمندی گردید. محمدرضا از تأثیر مثبت آموزش انجام‌داده از غرب این چنین یاد می‌نماید "در سوئیس مزایای آموزش و بروز دموکراتیک را درک کرد، از همان‌جا بود که من در دوران خود علیه پدر انقلاب کردم و سوگند یاد کردم که خلاف عمل‌کرد منعمل‌کنیم."

مادران زیبایی بر این است که محمدرضا برای غنیه به پر قراردهی روحی خود از چند منبع قدرت می‌یافته و در استراتژی انتقال اسلامی همهمی آن مبالغ قدرت از دست رفته بودند و شاه دچار اختلال در تصمیم‌گیری در مواجهه با رخداد انقلاب شد.

---
1. laing, p.102.
بازه‌شناسی اخمن ایرانی‌تاریخ

منابع الهام‌بخش و حامی محمدرضا: ا. عبارتی بودنی از:۱. ارنست برونو دوست دوران تحریل محمد‌پنا در سوپرس۲. اشرف خوهم دو قلوی شاه و اسلامی علم وزیر دربار۳. باور به حمایت الیه۴. پیوند با نیروی‌نذكرین قطب قدرت در دنیا و برقراری ارتباط شخصی به رؤسای جمهور امریکا.

به این قرار شاه جنبه‌های نازل شخصیت خود را با انتخاب به منابع چهارگانه فوق رفع می‌ساخت. با این حال همچنان اراده‌ای شکنده داشت، چنان‌که بروای تماشا به خبرگزاران سمج غربی، با استقبال اظهار می‌داد: "من بالاخره آنقدر به ستوه آمدم که تصمیم گرفتم ما با حمایت گه‌زندگان را کنار بگذاریم و براساس حکم عمل نماییم." ۳ محمد‌پنا، اساساً هر عقیده و عمل اگاهی، خشی را در حکم پنکی‌نگنادنت که قصد" لرزاندن یا به‌های حکومت او را دارد" ۴ و به این خاطر دچار وحشت شدید می‌شد.

بین‌الملل سایه اثر دو خصوصیت درونی کودکی در زمان زندان‌داری بی‌صورت و هم‌مک-کارپیسی از کمونیسم و احساس بی‌پناهی و میل به نتانی‌افتن در پرتو حمایت امریکا در نظام بین‌الملل می‌تواند و ترکیب نامی‌نامه‌های و میل سرکش حمایت‌جویی در نهایت به تزلزل و انجام‌کننده در تصمیم‌گیری‌های منتاخت که در دوران سلطنت خاص در سال پایانی سلطنت مانند سباست منتشرین در واقعی میزان زاله و اقدام به گمایش‌گر فضایی باز سیاسی و از اخوانین سناسی، نمود، یافته و همین حرکت‌زیکارکاری، همچون غامبی شاگرد، شاه را در ورطة سقوط افزکند.

قدرت سنگ و قدرت نما

از دوران کودکی، قدرت، بخشی از زندگی شاه به شمار مرفت. و تمامی خواهی او به گونه‌ای بود که "حاضر نیوز قدرت را با کسی تقسیم کند، چه رسد به ان‌که از آن کشش‌پوش کند" و

1. ساروین زونچی، (۱۳۷۱)، شکست شاهانه برانشاء تخصصی شاه. ترجمه عباس مخبر. تهران، وزارت امور خارجه، سازمان پام‌پام.
پژوهش‌نامه افغان ایرانی‌تاریخ/16

سرانجام، مقامات بر سر توزیع قدرت به مواضعی که با مخالفت در استان‌های انقلاب منجر
شد.

به گواهی شواین بسیار، ساختگی‌هایی با نیاز به تعلیم‌هایی و اصلاحاتی استوار نساخته که او
برای هم‌مرتند و سیاست‌گری چون وچرا قدرت شد و نبا به ذات و درون‌مایه قدرت
همهی زیرساخت ار ترساند.

در چاره‌ای نشان می‌دهد چرا بر مخاطرات موجود در نظام بین‌المللی تحت تأثیر همین خصوصیه‌
ی قدرت‌سازی، سیاست غرب‌گردی را بر خلاف منطق زیبایی در هم‌جویی همچونی با سردمرد بلوک
شرقی، پیشه کرد.

تملیق‌سازی و تمپل‌پذیر

یکی از سقات منفی محدود‌سازی تمپل‌پذیری از سوی ابود به گونه‌ای که نه تنها اطلاع‌بان شاه، که
شخصیت‌های خارجی نیز از آن صفت در جهت پیشبرد مقاومت دولت‌های دوره‌ها بهره می‌برند.
نگاهی به محوری نوشت‌هایی از سنگ آجره قدرت‌های اریمنگی، در اوج قدرت‌نما محدود‌سازی با
عنوان "شخصیت جهانی آریمان" گرد آورده است، نشان می‌دهد، نوع تاریخ بر طول‌مریزی که از
محدود‌سازانه می‌نمودند، در واقع عمداً به‌پره‌برداری از روحیه تمپل‌پذیری شاه بود.

طعنی از آن گروه‌بندی نود که محدود‌سازانه که به نگینی، بی‌پره‌برداری حقوق بشر وی از
"سیاست‌تین"، پرونده‌های دنیا بود، به صفت "دموکرات مورد تماس واقع‌شد. به استاد
محفوذات نوشته‌ی فوق، سردمردان غربی و بلندپایان سیاسی دیگر به گاه دیدار از ایران،
محدود‌ساز را با صفاتی جوان "رهبری برجسته"، "مدل‌ساز"، "پرویز‌تین"، "زنماهنگ
برای وحدت مسلمین"، "طراح و مبتکر"، "دارای شخصیت جهانی"، "زنک ثبات در
خاورمیانه"، "مدافع آزادی در دنیا" و... مورد سیاست‌های قوی دانسته، روزولت اظهار می-
داشت که در همه ممالک آسیا "پادشاهی به دموکرات منفی با پاسخ ایران"، "پیام نمی‌شد.
دانشگاه هاروارد در درجه دکترای افتخاری که به شاه ایران در 1347 خرداد اعطا کرد.

1 - "پیامی به دو پادشاه غربی"، ص 116.
2 - پرونده سیاست، شاه.
3 - قدرت الله آریمان (1373) شخشوری شاهنشاه آریمان از تغییر سیاست کشورهای گلیچ، تهران، پرینا، ص 45.
بهنام، ص. 9

1. laing, p. 197.
3. حسنی هیکل، (1367ه) ایران روزافزون، که ناگفته ماند. ترجمه حمید احمدی، تهران، پنجمین، ص. 101.
4. کنترل کننده می‌باشد، اعتماد مردم به سیاست‌گذاری‌های سیاسی و سیاست‌نگریها، ص. 433.
خوشهفته، نارسیسم

در تشریح ویژگی نارسیسم آمده است: "افراد خوشهفته قادر به ادراک جهان پیرامون خود به شیوهی عینی نیستند، نهایا واقعیتی که آنها می‌شناسند جهان ذهنی، افکار، احساسات، و نیازهای خودشان است... ادراک آنها از جهان بیرون در چهارچوب ذهنی خود آنها محصور است." کاپلان، برای یک بود که خوشهفته‌ها "احساس بزرگ آشکار می‌شناختند از اهمیت شخصی، به نظر بود که توافق توجه و تمجید دایم دارند." براساس تعارف فوق شفاه خوشهفته‌ها در شاه مخصوصا در دهه‌ی آخ حکومت به چشم می‌خورد.

شرح مرتبطی مشیر نمایندی مردم فسا، از دو برخورد متفاوت محضرضا درآغاز و ادامه سلطنتش در شیراز یکی در 1333 که با فرودی با فارغ التحصیلان مدرسه در شیراز برخورد کرد و یکی در 1355 که مهمان فاتح مغروری به دیدار نمایندگان رفت، رفتاری که مشیر آن را "توهین آمیز و ملالت" با "تووصیف مکند حکایت غربر بیماری خوشهفته‌گی در اواخر سلطنت داشت. و همین تغییر برخورد را با همسایگان ایران داشت.

محضرضا از اینکه تصاویر و مجسم‌های او در همه‌ی ادارات وجود داشت، عمیقاً احساس رضایت خاطر می‌کرد و اشتیاقی توصیف‌ناشدنی به مصاحبه با خارجی‌ها و توشن درباری خود داشت و با اغماخترین برداشت آرایی تصویری مدنی از ایران را با تصویری عظیم ماهیانه‌ای خویش داشت و نگه‌داری کرد.

اندیشه‌های خویش، اگر تغییر ترجیح، که تلفیق می‌شود.

توهم عظمت

توهم عظمت، در ارتباط با نظریه‌ی گوردن آلپورت از صفات اعظم محضرضایی، به شمار می‌رفت که در طول سال‌های حیات سیاسی محضرضایی از استمرار و فرازی برخورد بود. برترین رویایی‌ها، از جایگاه و منزلت خود و ایران، شاه را بر آن داشت تا مدعی شود که در واقعی

1. بهرام کریمی (1383)، روانشناسی شخصیت: تهران، موسسه نشر و پرینتر، ص 101.
2. هارولد کاپلان (1341)، نوروز و اخلاق‌های شخصیت، ترجمه مصطفی اصفهانی تبریز، تهران، سال 1341، ص 134.
3. هارولد کاپلان (1341)، نوروز و اخلاق‌های شخصیت، ترجمه مصطفی اصفهانی تبریز، تهران، سال 1341، ص 134.
4. شکست و ناهنجاری نسبی‌ها، تهران، سال 1341، ص 134.
پژوهش‌های افغان ایرانی‌تاریخ/۱۹

کنفرانس تهران در ۱۳۳۳، وی به چرچیل پیشنهاد داده است: اباً باد او به ایتالیا حمله کند و پس از آنکه وضع خود را در آنجا تثبت نمودند از طریق بالگان به حمله عظیم خود می‌دورند ورزند.\(^1\)

مصادقه‌ای از عظیم‌ترین مقدماتشان در سیاست خارجی را می‌توان در موارد زیر برشمرد: کمک به کردهای عراقی علیه رژیم بعیضی، لشکری کی به عمان برای سرباز شوریان ظفر، ارسال سلاح به دولت زایدار در سومالی،\(^2\) حیاته شوریان، چوبن در ایران،\(^3\) کمک مالی به دعوت زاده‌ها و مراکز غربی مثل کارخانه‌های کربور، کمک ۲۲۰ میلیون دلاری به بانک جهانی و ۲۰ میلیون دلار به صندوق بین‌المللی پول، پرگزاری جشن‌های دوهزار و پانصدساله اظهارنظر درباره وقایع بین‌المللی اراپی، طرح برای مدیریت جهانی و نقد هنجارها و نهادهای بین‌المللی از دیگر جلوه‌های بلندپردازی‌های مقدماتشان بود.

شام تماشای سال پیش از انقلاب در مصاحبه با خبرگزاری اینگلیسی، خود را در مقامی می‌داند که به غرب و شرق هشدار دهد: "ما هرگز شیرها ی نفت خود را به روزی غرب نخواهم بست... اگر لازم باشد حاضریم با هر چیز بگذشته، حتی اگر کشور به زمینی سوخته تبدیل شود.\(^4\)

در آن سال‌ها یو دچار توهیم بی‌باری قدرت یا کشورهای مانند شوریزی که قدرتی چندان بعدی به شمار می‌رودند، مدتی بود و دست کم در سیاست گفتاری، خود را از مقامی می‌دلد که ادعای کنن: "ایران مقدمترین نیروی حفظ ثبات و صلح" در منطقه ایست و هشدار مبنای داد که چنانچه شوریزی به ساختن پایگاه‌های دریایی، نظیر امپریال امپریال ارائه داده، ایران نیز با درخواست دانش‌نامه‌های خارجی که از سوی امریکا امکان‌پذیر کرد.\(^5\)

مقدمات در دیگر دیگری از حالات توهیم این‌حوادث، اظهار می‌دارد که "امریکایی‌ها با دانست که مخالفت می‌باشد استایل‌ها در خلیج فارس نه فرض جدی است، امروز باید درک کند که ما یک کشور

---

2. مأموریت پایان‌الuş, ص. 101.
3. مارک گازیورسکی, (برای آمریکا ونادی‌ای باید به حکومت سلطه پذیرد ایران, مردمی چشم‌اندازه تهران, ص. 21.
4. رازه‌ران نگاهی از زندگی از دادروه گو با پری ایلامی, ص. 7.
5. پاسخ به ترازی, ص. 725.
پژوهشنامه اقتصاد ایرانی‌تاریخ/۲۰۰

۱. بازده کشوری با جاذبه‌های فراوان توزیع‌گر و بهره‌مندی از موقعیت بری: بحری و گذرگاهی، شاید با توان اظهارات زیر را مصادفی از وقوع شاه به چنان موقعیتی داشته:

"خلیج فارس برای کشور من مساله‌ی مرگ و زندگی است. یا بهتر است بگوییم زندگی یا مرگ است." 

۲. قرار گرفتن در مرکز انتزاع جهان و دارا بودن منابع عظیم گاز و نفت و افزایش چهار برابری قیمت نفت، چاب تصویب محمدرضا در تا میلاد ۱۳۵۲ بر صفحه‌ی نخست تایمز به عنوان امیر اطروت نفت.

۳. زمانی شدن ایران در منطقه، اشتیاق و اراده فردی محمدرضا در تحقق هزمونی گرایی و بانک‌پذیری قدرت آسیای ایران، خلاه قدرت ناشی از خروج این کلیسای از خلیج فارس، افزایش قیمت نفت، سیاست تسکین‌کننده جنون آمیز محمدرضا دکترین نیکسون و محل نمودن مستندی منطقه‌ای به قدرت‌های محلی امکان پذیره‌گری به آن داد. از عوامل مؤثر بر زندانی‌ی ایران در منطقه بود که محمدرضا همیشه علی و عوامل مساعد در چنان رخدادی را به نحو خود مصادره به مطلوب نمود. در برآورد امکانش به وسیله ویرانی از موقعیت خود و کشورش بود که مثابه سیاست تسکین‌کننده ایران را برای سایر امریکا، این چنین تشريع کرد: "برای امریکا فروش اسلحه یک مساله‌ی تجاری است، ولی تهیه اسلحه برای ما

- کشور کوتاهی با شاخه‌های محمل‌اندازی، ص ۶۵
- avery, vol Y, p۵۰۰
- laing, p۱۰۱
- محمدعلی همايون کاووزی‌یان، (۱۳۷۱)، اقتصاد سیاسی ایران، تجریه محدود رضا غیبتی ودیگران، تهران، فلکس، ص ۸۸.
پژوهش‌نامه ایفمن ایرانی‌تاریخ/۱391

حاکیت مرگ و زندگی است. من بودجه مملکت را تأمین می‌کنم، حتی اگر به قیمت گردنیا مرم مباشد.”

۲۴ از دیگر عوامل ابرگذار بر بلندپایان‌های مهدود با را می‌توان در پیشیبانی روی و متحد استراتژیک بودن آمریکا در منطقه دانست. چنانچه، جان ک جانسون با کلمات نوازش‌گرانه به شاه اظهار داشته بود: "ایران امروز تحویل رهبری پادشاه خرمند و دلیر خود برای نوازش اجتماعی و اقتصادی و گسترش عدالت اجتماعی و پیشرفت این ملل جهان می‌گردد. می‌گردد.”

پارگاه مولفه‌های شخصیتی مهدود با را بسیار منطقه‌ای ایران

سردرچرخه‌های ترس و جنایت‌جویی در وجود مهدود با را او را هر چه بیشتر متوسط ضردد طلایی از امریکایی برای خطاهای هایی در منطقه نمود و همین موضوع اباد اندوزی منطقه- های فرانسه زمینه‌های را یافته‌ها را یافته‌ها در کم‌سکه‌ای نظامی به سوریه، عراق و هندوستان، شاه ایران را در دل‌های "فرشاد" در حلقه دشتیان منطقه‌ای "افکند، و

سپس شد او می‌تواند به بافتی مولفه‌ای در فراکوهش شود.

این سیاست منطقه‌ای مهدود با را واحدهای افرادی از عملیات به اندیشه‌های کمونیست‌ها، تظاهر به همکاری منطقه‌ای و برقراری تشکیلاتی جهت امتن جمعی قرار گرفت. در باوردشت- های ویژه‌ی شاه، تنا ارتش مجهز ایران یارای آن داشت که حافظ صلح جمعی در منطقه باشد. تا ارتش نقش "عامل عمدی" تأیین ثابت و استقلال حافظ آرامش ایران در دنیای پراشاپوب" را ایفا کند.

پارگاه از دل‌های مداوم و خصوصیه بی‌گناه‌تری مهدود با را در سیاست گفتاری وی درباره‌ای تأیین صلح در خاورمیانه هریودا است. شاه ایران دست کم دو شرط اساسی برای صلح

1 - کفت و گوری من با شا (شاخه‌های محروم)، ص: ۲۱۴.
2 - شخصیت جهانی شاهنشاه آرابی از نظر سران کشورهای غربی، ص: ۷۹.
3 - ایران و جهان اسلامی (خاطرات از دوران وزارت امور خارجه)، ص: ۱۳۵۱-۱۳۶۴، ص: ۴۰.
پژوهش‌نامه اخنون ایرانی تاریخ/۱۴۰۰

در منطقه‌ها را لازم می‌دانست:۱. ایجاد دموکراتی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در داخل کشورها. ۲. مامونیت از خرابکاری و نفوذ تروریستی و تجاوز.

شگفتان که در حالی که سیاست‌های غرب در افغانستان و بوستون می‌پیوندند، اصلی بود که "هدف اصلی من در سیاست خارجی این بود که ایران بهترین روابط را با کلیه کشورهای همسایه و همگرایی داشته باشد." ۲

به رغم اعلام سیاست همسایگرایی و همگرایی مسالمت‌آمیز، در سیاست کردی، محمدرضا شاه همچنان آنان مورد بهره‌برداری نشده بود. ایران قرار داشتند از سوی دیگر عربستان و مصر به دلیل برخورداری از پاره‌ای جاذبه‌های ایرانی در خاورمیانه، حسن حسادت او را بر می‌انگیختند. دیگر کشورهای عرب مانند عراق را با خواسته تحقیر نمود. درباره افغانستان، ترکیه و پاکستان در سیاست اقتصادی و سیاستی کامل

نهاده بود، ولی در سیاست کردی، همواره درصد اقتدار بر ایبی‌ها بود.

در سیاست منطقه‌ای، از نظر جمال عبدالعلی‌مرکزی تا دهه‌ها در حافظه‌های جمعی اعتبار، منزلی بس وایت، می پدیداری و او را "فرعون سبک‌پرداز"، "خاطب" و "آدم‌خور"، "کسی که بین مسلمین نفاق افکنده"، "نابهتار" در سال‌های ۱۳۵۲–۱۳۵۴، فقط تا پایان پیش از سقوط پهلوی و پیش از آن که با وقوع انقلاب معاصری، جاری قدرت در منطقه درهم پیچیده شود، شاه طرح تلقیش از ساکنی، بارها در منطقه‌ای را این چنین تشخیص می‌کرد: "خذدار است، بدون توان دفاعی ایران انها در مقابل کمونیست‌ها مرده‌اند. اولین انتخاب ما همکاری است و انتخاب دوم ما این است که در صورت لزوم به تنهایی پیش برویم." ۳

پس از محمدرضا، ایجاد تحقیق، "عراق مسلم"، "عراق پیروی" را برای یک کشور همسایه بپردازد. و این گفتگوهای اندیشه‌های مکزیک و بر، جامعه‌شناسی آلمانی را تشویق گرفت که

---

1. laing. p203.
2. laing, p.219.
3. laing, p.219.
4. laing, p.219.
"یک ملت شکست را می‌تواند تحمل کند اما تحقیر را هرگز" و بنابراین توان اجرای محضرها را در فردای افتتاح، مردم ایران در جریان چنین نگاه‌برداری بر عراق علیه ایران متهم شدند.

از سوی دیگر برای دقت‌های محضرها نسبت به دوبله‌های مسلمان منطقه، اثراتی از تفریغ و کم‌همکاری هرودا بود، با به‌انتقادی به منظر مجازی ملی، تصمیم به شناسایی دو فاکتور

اسرائیل غیرمسلمان نمود.

این تصمیم، اعتراض شیخ محمود شلتوت ریس دانشگاه الجزیره را پرتاب کرده و تصمیم گرفت که ایران به شناسایی گروه‌های راهزن اسرائیلی را مورد شماتت قرار داد و خواستار تجدید نظر شاه در آن تصمیم شد.

اما محضرها پاسخ داد "روش ما در شناسایی دوافکتو مکرر مورد تقدیر مالکم و ملل اسلامی واقع گردد و در صدد تغییر این روش نیز نیستیم." یک

خواننده‌های ارزش‌های اسلامی دوافکتو مورد پذیرش جامعه‌ای ایران و منطقه از سوی شاه در گاه تصمیم گرفتند که شناسایی دوافکتو اسرائیل و تمیزی آن تا حد افزایش روابط چند جانبه با اسرائیل؟

دستکم دو بازخور را ایجاد کرد: در سطح داخیلی بر دانشجو و اکرایه داخیل افزار و به سقوط شاه انجامید و در سطح منطقه‌ای ابعاد انتواوی شاه را تشکید نمود.

پژوهشنامه افغان ایرانی‌تاریخ/1398

پزشکی نیاز دارد در سیاست جهانی نیز بر ترکیب گربه به دوایه ترس آن دو و در عین حال بسیار بلندپوشانی محضرد. از موضوعات جهانی ایران استوار شده بود، پس از پذیرش شخصیتی وی که ابتدا یارای فکر است نمایش خاصی از شخصیت‌ها ایران بود، بر سلول‌های فکری و عملی سیاست گذاری خارجی ایران اثرات خود را بر جای گذاشت.

پرای نمونه، احساس تیرمیند و پایدار بیگانه‌گریزی، محضرد را در هر دهه بیش از دهمی یکی از پرتره‌های همسایه‌ای ایران و افرادی که جوان دور نمود و با وجود روابط مستمر بازرگانی و فنی تا آخرین دههی حکومت پهلوی، اما محضرد از قدرت شوروی دچار هراس بود و در

1- مرکزی قانون (1381)، جستاری در روابط ایران و اسرائیل، تهران، مرکز تحقیقات حقوقی، ص 336.
پژوهش‌های اقتصاد ایرانی معاصر

طراحی اقتصادی معاصر ایران

در سال‌های اولین حكومت، تغییر چهره دادن ایران به کشوری با ارتقای روزافزون که خیال می‌رفته، جمعیت زیادی را به دست آورد. در این دوره، سرمایه‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ‌تری، حاصل صلاح در خارج‌های ایران، به‌دست‌آمد. اما کافی نبود.

هراس‌های غربی به علوا و پیگیری‌های نارسایی‌های جامعه‌ای و خلاف‌نظرات‌های محدود‌هایی که از نگاه برخی از غرب‌ها "بر جستجو و شاید ترها" فرموده‌اند، با نخست‌وزیران و سازمان‌ها به‌فعل می‌رفتند، در فرجام باعث شد که با اشتیاق این سمت را بپذیرد و شرط کافی را برای این موقعیت فراهم آورد.

سرانجام اینکه، محدود‌های، متحد استراتژیک و متناسب آمریکا در دهه 1970 شدکه میان انتخاب این سیاست با آمریکا و طرح برداشت‌های شخصی محدود‌هایی باید داشته. اشتیاق به جلوگیری و خودمختاری که از همان آغاز نوچک‌های در محدود‌های و وجود داشت در دوران پادشاهی دیر دوران رابطه با کار دستگردی و مردمی قدرت دنیا، که امکان مطرح‌رسیدن هر چه بیشتر در جهان را نمی‌داد، نمی‌توان باشد.

یکی از تصورات نادرست محدود‌های از نقش‌باز این بود که با بذال‌شاعری باشد که غرب‌ها و بی‌خصوص آمریکا و را تاکید کند و به لحاظ روانی، نیاز مستمری به تأیید غرب‌ها می‌بود و پاره‌ای به بازگشایی و افزایش در درجه‌های انتظارات غربی‌ها می‌پرداخت و همین واقعیت بر وحشت اوضاع می‌افزود و واگرایی میان قدرت‌های دیگر و قدرت اجتماعی در داخل ایران را بی‌قابل جبران تر می‌ساخت.

1 - کمونیسم سیستی.
2 - "بهشتی‌خان و دانش‌های غربی"، ص 111.
3 - پرویز راجع (1368)، در همین، کشف طفره، ترجمه جمیسی، ایران، اطلاعات، ص 111.
پژوهش‌های اخن ایرانی تاریخ/25

شک و در دو این تصور شد که که نتیجه انتظار است که این نماینده، قددرت نموده‌اند، قددرت نموده‌اند، قددرت نموده‌اند.

آن روابط‌های شخصی روسای جمهور امکان‌ها را متقاعد کرده بود که شاه ایران علی‌های

تاییدی برای یک قددرت‌نمایی دارد، و در پروت بزرگداشت آن شیخی‌ای که قددرت حامی جهانی، می‌تواند امکان منطقه‌ای خود را گام‌ی برای عمل بیشتری و پس از آن بود که امکان راهبرد منطقه‌ای

خود را مصروف کاتالیزه نمودن برنامه‌های خوش و انطباق آن با منافع پایدار خوش، در خاورمیانه

نمود.

خط مشی غرب‌محوری، که ایران به خصوص پس از کودتا 38 مرداد 1332 در سیاست

خارجه، در پیش گرفت بر قددرت روانی مجدد مرا به‌فروند. شاه با انجام برخی از اعمال باندی‌روزانه که ذکر آن در سطوح پیش رفت سرانجام خود را در

سطح فرمان از ایران مطرح کرد. تا گذشته که پاب دل ششم از آرزوهای وی برای "سعادت ملی جهان" داد کرد. سپس شیوع کل خبرگزاری آلمانی، حرکت اندکی ایران و "شخصیت جهانی

شاه" در محافل سیاسی جهان خبر داد.

نتیجه‌گیری

در جوامع توسه‌نوازی‌یافته که نهادهای دموکراتیک کارکردی تقلیل گر دارند و تحتالشاعر قدرت

فردی تصمیم‌گیرنده هستند. تصمیم‌های قایم به فرد گرفته می‌شود، در این جوامع بسته، همانند

ایران دوره‌های پنهانی تصمیم‌گیری سیاسی تحت تأثیر افکار عمومی و گروه‌های ذهنی و

مطبوعات، پارلمن و... صورت می‌گیرد. از زاویه‌ی نگاه این پژوهش نیز، سیاست و نظام سیاسی

موجود در هر گروه افکاری تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری را تحت حضور زیادی مشخص می‌سازد، به

این معنا که عوامل در سیاست‌های بزرگ، عوامل داخلی و خارجی آن‌ها قابل ملاحظه‌ای بر قرارند

تصمیم‌گیری می‌گذارند. چنین نظام بروپراکسی اشتباه به اخذ تصمیم‌های کارشناسی شهر دارد و

لذا تصمیم‌های این نوع سیاست‌ها، که اما نسبتاً دقیق گرفته می‌شود، در صورتی که در جوامع

1- شخصیت جهانی شاهنشاه، آرشی‌ها از نظر سران کشورهای گیری، ص 121.
پژوهش‌نامه اخنام ایرانی تاریخ/26

بسطه، محيط آزادی برای پاریزگران متعدد ایجاد نمی‌شود. و به دلیل نبود تفکیک مناصب از مکامات و عدم سلسله‌مرتب‌یابی از عناصر تصمیم‌گیری، شامل منجر به حادثه‌هایی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم از کشورها می‌گیرد. این وضعیت با رویه ناشکاری‌های مجمع‌های هم‌خوانی بوده که می‌خواست هرچه زودتر ایرانی مدنی برای نامید و زود با زور همراه شد و سپس سقوط حکومت پهلوی گردد.

همچنین، عامل نظام بین‌الملل بر ماهیت و قلم کشورهای توسعت‌ناپذیر و آسوپیدیزی اثر می‌گذارد. این امر به‌طور مستقیم و غیر مستقیم حتی برای کشورهای ضعیف به‌طوری نسبی امکان پاریزگران محدود وجود دارد. اما در خصوص تک قطعی امکان پاریزگران محدود هم از کشورهای آسیب‌پذیر سلب شده و ناگیر از استحصالی در هم‌نیامد این سیاست نمود، همان‌طور که در این دوره ایران، به عرب شد. این قرارداد نامیل بین‌الملل اقدام به تصمیم‌گیری نمود. همان‌طور که در سیاست پیشرفت نمود، به‌طوری که در نقل و نقل بین‌الملل عمل می‌کرد. از این العضویت در انجام اصلاحات ارگی و در واسطه سال‌های حکومت، همچنین اجرایی به‌طوری که در حالی بود که رابطه این سیاستی که در عاملی شناخته شده به سقوط شاهان دیمیک، که به‌طوری زیر، دولت‌های غربی نمود.

ساختار ناعادلانه قدرت در ایران شاخص را از انتخابات گسترش‌دهنده حقوقی بی‌خوددار نمود به علاوه خروجی و انحراف‌های مجازی، سیاست در عمل علاوه بر بی‌خودداری از چهارچوب قانونی اهمیت قدرت را، فراتر از آنچه که در قانون پیش‌بینی نموده بود، گسترش دهد.

مواردی که باعث شد که برگی‌های فردی محدودصردیسی درست‌النوازی، نمایی از تصاویر نامردسازی ممکن‌تر از نظام بین‌الملل و مخالفان جهالی قدرت، زمینه‌سازی تصمیم‌های ناگهانی‌شده‌شده گردید. پس از درک خوشه‌ای که در گاه تصمیم‌گیری درامور خارجی بود که شاه می‌پندشت، توافق‌های اخیر تحمل و تغییر بخشنده‌ترین تصمیم را، پی‌نیاز از آراء بازنشسته‌های این تصویر شده بود که دست پنهان قدرت انگلیسی‌ها در ورای هر رخادان بین‌المللی وجود دارد.

روابط سیاسی و عدم اعتماد به نخبگان و روشنفکران برای سه‌مهم شدن در پوشش‌های تصمیم‌گیری و شخصی شدن شدید قدرت، سبب سوژه‌سازی قدرت‌های یک نژاد از روی ای می‌شده است.
نادرست تصمیم‌گیری در ایران شد و غالباً به سود منافع ملی کشورنشان، در روند تصمیم‌گیری در سیاست‌های خارجی ایران، مداخله می‌کردند.

در اتطاق با نظریه گردش الپورت، شاه "نظم‌داری‌های متمایز" بود و در اتطاق با تئوری رایموند کانل، شاه آینده صفات محیطی خود دچار و هم، درباره جایگاه کشورش در معدات پیچیده قدرت بود. قدرتنام و تمایل‌ها بود و کشورهاهای دیگر به گاه تنظیم اهداف دیپلماتیک خود صفت‌های وی را در نظر داشتند. یکی از صفات پایایی شاه است. آشنا بود به بازی برد و کدک که به استیلای امریکا بر مقدمات ایران انجامید.

عوام زیان‌بار قدرت متمرکز شاه، در عرصه سیاست خارجی، به این صورت بروز کرد که تصمیمات مهم گاه بدون رعایت حداکثر قانونی با شتاب و سادگی اتخاذ می‌شود و این قدرت‌های ایزدگی کرده‌اند خواسته‌ها و منافع کشورشان را به این دلته خودگستری و این قدرت شخصی شده، دیکته نمی‌اند.

پارادوکس‌های شخصی محدودی، همچون بی‌گانه‌گری و بی‌گانه‌ترسی، دست‌نشاندگی و برابری خواهی، ترس و علّمت‌گرا بودن که به ویژه، بر کاردار و رفتار شاه در قبال قدرت‌های بزرگ، نمود پایت. محقق را در درک شخصیت و طرح ویژه فکری محدودی، با شورای مواجه می‌سازند، با این وجود یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که طرح ویژه فکری محدودی، با توسعه محدودیت‌های طراحی خارجی و محدودیت کردن ساختارهای اقتصادی و فرهنگی در داخل کشور بود. اما محدودیت‌های نیز به جمع به معاون‌گرایی پیوست که در انجام معاونی تئها به آنچه به دست می‌آورد، می‌اندیشدند و نه آنچه از دست می‌دهند و برای تحقق طرح ویژه فکری خوشی در سطح جهانی با را از مرحله پیوسکی با غرب فرآیند نهاد و به دست‌نشاندگی امریکا تن در داد و در سطح منطقه‌ای با پیشرفت بست نیایی قدرت امریکا در زمینه کردن، منطقه را به سوی سیاست‌ها بحران "صلح سال" سوق داد و در داخل کشور، اگر این بود که در آمد هنگفت نفت، بیش از پیش خود را به‌پیش‌بینی و پیروگایی اثر گزار اجتماعی دید و واگرایی میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی را فنی‌بینی پخش و سرآیند.

تعرض میان حاکمیت و مردم به اسنادی رسوی که، مفری جز انقلاب نمودن، نیافتند.
The Influence of Personality in the Process of Decision Making in the Foreign Policy of Iran during the Last Decade of the Reign of the Second Pahlavi Monarch

Nafiseh Vaez

Abstract:

Mohammad Reza Shah’s personality affected the foreign policy of Iran. This presupposition is based on the theory of James Rosena according to which in under developed countries personality affects decision making. This article examines this phenomenon which in combination with internal social factors accelerated the decline of the regime.

Keywords: Mohammad Reza Shah, decision making, foreign policy, Iran, personality
فهرست منابع و مأخذ

- اکبری، محمدعلی، (1382)، دولت و فرهنگ در ایران 1354-1363، تهران، روزنامه ایران، موسسه انتشاراتی.
- ازغدی، علیضا، (1363)، روابط خارجی ایران (دسترسی به نسخه 1363)، تهران، پیام.
- اوزانگ، قدیمی الله، (1327)، شخصیت جهانی شاهنشاه آرامش از نظر سران کشورهای غربی، تهران، پیام.

- چراغی، بعنایت، (1385)، جنج سرد، ترجمه مهدی حقیق خواه، تهران، ققنوس.
- بیل، جیمز و شیرازی، (1371)، عقب و شیرازی، روابط ایران و آمریکا: ترجمه مهوش غلامی، تهران، کویه.
- بیلر، (پیمان)، نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محترمهای سردار برادر، ترجمه غلامحسین میرزاصلاح، تهران، نیا.
- یحیی، محمد، (1375)، انقلاب سفید، تهران، کتابخانه پهلوی.
- همتی، (محمدرضا)، (1377)، پاسخ به تاریخ ترجمه شهرباز مکان، تهران، شهرباز.
- همتی، (محمدرضا)، (1377)، مجموعه میراب و علم، تهران.
- حاجی‌پوشی، امیرمحمد، (1384)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران تحولات منطقه‌ای، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- راجی‌پور، (1378)، درخواست تخت طلووس، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران، اطلاعات.
- زاهدی، ارتسف، (پیمان)، زاهدی ناگفته، درک زاهدی در گفت وگو با بری ابتدائی، تهران.
- زرگر، (علی‌اصغر)، (1377)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره‌های اخیر، تهران.
- پروین، (1379)، بحران و پیروزی، تهران، شیرازه.
- زونس، (1370)، تکمیل شناخت روند‌شناسی شخصیت ضعیف، تهران، وزارت امور خارجه، سازمان چاپ و انتشارات.
- سپیزاده، حسین، (1382)، اصول و روابط بین الملل (الب و ب)، تهران، میزان.
پژوهش‌های اخیر ایرانی تاریخ/۱۳۸۰

- میانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تهران
  انتشارات وزارت امور خارجه
- شاملو، سید (۱۳۸۲)، مکتبی و تئوریها در روانشناسی شخصیت، تهران، رشد.
- علم، مقدمه (۱۳۲۸)، گفت وگوی من با شاه (خاطرات محرمانه)، زیر نظر علی‌رضا هوشنگ
  مهدوی، تهران، طرح نو.
- فاضلی، محمد غلام‌حسین (۱۳۸۱)، جهان‌خراشی درباره توافق دو دانشگاه تهران، تهران، نشریه
  فروغی، محمود (۱۳۸۳)، خاطرات محمود فروغی کنیل وزارت خارجه و سفیر ایران در امریکا.
  به کوشش حیتی لاجوردی، تهران، کتاب نادر.
- قانون، مصطفی (۱۳۸۱)، جهان‌خراشی در روابط ایران و اسپانیا، تهران، طبرستان.
- کابلان، هارولد و دیگران (۱۳۸۲)، نوروزه و افکار حرکت شخصیت، ترجومه نصرالله
  پورافکاری تبریز، نیا.
- کریمی، يوسف (۱۳۸۳)، روانشناسی شخصیت تهران، مؤسسه نشر ویراش.
  کی استوان، حسین (۱۳۵۵)، سیاست موزانه‌ی منفی در مجلس چهاردهم، تهران، انتشارات
  مصدق.
- لا‌ینگ، مارگارت (۱۳۷۱)، مصاحبه با شاه، ترجومه ارند شیری روشنگر، تهران، البرز.
- گازورپورسکی، مارک (۱۳۸۱)، سیاست خارجی امریکا و شاه ایجاد یک حکومت سلطه‌پذیر در
  ایران، ترجومه چهشید زنگنه، تهران، رسا.
- محمودی، منوچهر (۱۳۷۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسایل، تهران
  دادگستر.
- مشر، مرتضی (۱۳۸۱)، کوشش‌های از خاطرات من در پنجاه سال اخیر، تهران، گندم.
- مصطفی، نسرین (۱۳۸۵)، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور
  خارجه، مرکز چاب و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ملک‌محمدرضا، حسین‌یار (۱۳۸۱)، ارتباطات ایران با سقوط شیخان، تهران، مرکز اسناد انقلاب
  اسلامی.
- نوروزی و سیاست خارجی ایران از سوم سه‌میلادی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تهران، علم.
- همايون كاتژيان، محمدعلي (۱۳۷۲)، اقتصاد سياسى ايران، ترجمه محمدرضا نفيسى و دیگران، تهران، فنوس.
- هوشگ مهدي، عبدالرضا (۱۳۷۳)، در حاشيه سياسه خارجي از دوران نهضت ملی، تحلیل، تهران، گفتار.
- هوي، فريدون، (۱۳۷۲)، سقوط شاه، ترجمه ح. ا. تهران، مركز اسلامي انقلاب اسلامي.
- هيكار، حسن، (۱۳۷۲)، ايران روايتى كه تاگته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران، بهار.

مقالات
- اونن، دیوید، (۱۳۸۷)، "بيمارى شاه و دولت‌های غربی"، ترجمه عبدالرضا هوشگ مهدوی، فصلنامه اطلاعات سياسى - اقتصادى، سال بيست و دوم، شماره ۱۲ و ۱۳.
- كنابي، محمد. (۱۳۸۲)، "نظرىه نظام جهانى خان فوران و انقلاب اسلامي ايران"، مجله جامعه شناسى ايران، دوره اول، شماره ۳.
- مالکى، عباس، (۱۳۸۱)، "تصمیم‌گیری در سياسه خارجی ایران (رهبایت تجربى)"، فصلنامه علوم سياسى، روزنامه، شماره گردان، اطلاعات، ۶ مهر ۱۳۸۲/۱۳۸۴ و ۱۳۸۵/۱۳۸۶ و ۱۳۸۶/۱۳۸۷.

-Rosenau, James, The scientific study of foreign policy, New York, free press, ۱۹۷۱, pp ۹۵-۱۵۰.